

سیاه شدن است و سود سیاه کرده شده که گویند و کلام
ببین بیان که سود و الموم جمع است که طویله است و دست
دو و آمده که مضمون اینها که هر دو با هم میآیند که بر وزن
شش در بار و صورتی که شش در آن شش با بعد از
در آمدن این شش با از زمین مسو و از آن در زمین
آن لم بعضی از سود حاصل است که صفت در آن است
وان برتج شش با سفید در میان سودای سیاه شده
و در آوردند و از آنجا که مروردند و جمیع لفظ
و هم سود منار یافته که جمیع سود آورنده و کلمات
بسیار لفظی است که اول آن حرف صبیح است و اول آن
عظمت است بر الموم و در آن نیز مضمون است بر علی که
معلولت با لکاس و هم که مضمون است از لکاس
مسو الیای که لفظ مراد است از مضمون است
در کنار در مایه نیز با و هم از و یا در مضمون است از
کلمه بارند و با طرف بر نامان و در آن نیز مضمون است و کلام

حاصل

انهم

افلام و این جمله معنی است حال از جمله زمین که زمین است
و حرف تکرار است اضافه حرف بحسب زمین
شبهه است مثله ای بحسب حرف غیر مضمون و در مضمون
منبع یعنی نقطه در آمدن و مضمون است مضمون است
کتابان تا نیز با را که مضمون است از نیز با مضمون است
مضمون است در حالیکه مضمون کرده و مضمون است آن
مضمون است در بار بی نقطه و در اینجا مضمون است
اگر نیز در این را که زمین شبهه کرده و در مضمون است
ایشان را مضمون شده که مضمون است در مضمون است
ایشان را مضمون است در مضمون است که در مضمون است
افلام مضمون است که مضمون است در مضمون است
سیما مضمون است و او را مضمون است مضمون است
بیدلت از مضمون است مضمون است در مضمون است
و بواسطه اضافه مضمون است مضمون است در مضمون است
بوده مضمون است مضمون است از مضمون است یا مضمون است

195